

نقش ضمانت اجراهای حقوقی و کیفری در حمایت از محیط زیست با تأکید بر قانون حفاظت از جنگل‌ها و مراتع

نصرالله ایزدی خواه*

حمیدرضا گرجی فرد**

تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۱۶

تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۱۴

چکیده

حقوق، همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین ابزارهای دولت‌ها برای حفظ ارزش‌های اساسی جامعه بوده است؛ از این رو، بعد از کنفرانس ۱۹۷۲ استکهلم، ارزش‌های زیست‌محیطی به عنوان ارزش‌های اساسی جامعه بشری نام برده شد. تمامی کشورها ملزم شدند یک سری قوانین دقیق زیست‌محیطی را برای حفاظت و حمایت از محیط زیست تدوین نمایند. کشور ما ایران نیز از این قاعده مستثنا نبوده است و در ایران نیز قوانین زیست‌محیطی متعددی در سطوح مختلف اعم از حقوقی، کیفری، اداری و آیین‌نامه‌ای تدوین شده است. یکی از مهم‌ترین قوانین در این حوزه، قانون حفاظت از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ است که برای حمایت و حفاظت از جنگل‌ها و مراتع تصویب شده است. این قانون برای تضمین منابع طبیعی، به برخی ضمانت اجراهای حقوقی و بیش از آن کیفری متوسل گردیده است که به نظر می‌رسد در پاره‌ای از موارد نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای زیست‌محیطی باشد.

واژگان کلیدی: جنگل‌ها و مراتع، ضمانت اجرا، حقوق محیط زیست، تخریب.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر و رئیس دادگستری شهرستان نورآباد ممسنی.

n.izadi94@gmail.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل محیط زیست دانشگاه شهید بهشتی.

Hamidgorji.n@gmail.com

مقدمه

حقوق محیط زیست، با سابقه‌ای در حدود ۴۰ سال، در میان سایر رشته‌های حقوقی، یکی از جوان‌ترین شاخه‌ها محسوب می‌شود. بعد از اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم^۱ با موضوع «محیط زیست و انسان»، کم‌کم توجه جهان به سوی حفاظت از محیط زیست با استفاده از ابزارهای بین‌المللی رو به فزونی گذاشت به طوری که بعد از تصویب این اعلامیه، مفاد آن به همراه چندین دستور کار بین‌المللی (دستور کار ۲۱)^۲، مبنایی برای توسعه‌ی قواعد و مقررات زیست‌محیطی گردید. در این اعلامیه آمده است: «حمایت از محیط زیست انسان و بهبود آن، موضوع مهمی است که بر رفاه افراد بشر و توسعه‌ی اقتصادی در سراسر جهان اثر می‌گذارد. انسان، از یک طرف، قابلیت ذاتی تغییر شکل دادن و همچنین امکان بالا بردن کیفیت زندگی خود و دیگران را دارد و از طرف دیگر، می‌تواند خاطیانه و غیرمسئولانه با عملکرد خود، ضرر غیر قابل جبرانی را به افراد و محیط زیست وارد کند». در تاریخ ۲۸ اکتبر ۱۹۸۲ نیز ملاحظات زیست‌محیطی مهمی از سوی دولت‌ها با عنوان «منشور جهانی طبیعت»^۳ مورد پذیرش قرار گرفت؛ بر اساس این منشور، دولت‌ها می‌پذیرند: «بشر، جزئی از طبیعت است که باید حیات مستمر داشته باشد و برای این حیات مستمر، سیستم طبیعی با جایگزینی انرژی و مواد غذایی انرژی‌زا، تأمین‌کننده‌ی آن است... انسان‌ها می‌توانند طبیعت را تغییر دهند و منابع طبیعی را به طور مستقیم و غیرمستقیم مستهلک سازند؛ بنابراین آنها بایستی به ضرورت حفظ و نگهداری لطافت و ظرافت و کیفیت طبیعت و حفاظت از منابع طبیعی توجه داشته باشند...؛ تنزل سیستم‌های طبیعی به واسطه‌ی مصرف بیش از حد مجاز و عدم بهره‌برداری صحیح از منابع طبیعی، به علاوه‌ی کمبود مناسبات اقتصادی حاکم در میان مردم و دولت‌ها، شیرازه‌ی تمدن اقتصادی و اجتماعی و سیاسی را از هم می‌پاشد...».

به هر حال حقوق محیط زیست در تفاوت با سایر حوزه‌های حقوق، ابتدا در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار گرفت و کم‌کم وارد حقوق داخلی کشورها شد. امروزه حقوق

1- Stockholm Declaration on Human & Environment 1972.

2- Agenda 21.

3- World Charter for Nature 1982.

محیط زیست به بخش‌های مختلفی مانند حقوق مربوط به آب، خاک، دریاها، جنگل‌ها و حقوق محیط زیست شهری تقسیم شده است.

یکی از مهم‌ترین این حوزه‌ها، حقوق مربوط به پوشش گیاهی (جنگل‌ها و مراتع) است. اکوسیستم‌های جنگلی و گیاهی به دلیل کارکردهای مهم اقتصادی و اکولوژیکی که دارند یکی از مهم‌ترین بخش‌های محیط زیست به حساب می‌آیند که از جمله‌ی این کارکردها می‌توان به جلوگیری از فرسایش خاک، تصفیه‌ی آب، حفظ و نگهداری تعادل آب و هوا، تولید اکسیژن و ... اشاره نمود؛ اما متأسفانه کارکردهای حیاتی و تعادل اکولوژیکی که جنگل‌ها به همراه دارند توسط فعالیت‌های گوناگون بشری به میزان زیادی تضعیف شده است. افزایش جمعیت بشری موجب تسریع بیابان‌زایی در بسیاری از کشورها گردیده و از این رو زمین‌های جنگلی، برای کشاورزی و رشد غلات تغذیه‌ای یا پرورش دامداری، استفاده شده و یا درختان جنگلی برای سوخت بریده شده‌اند؛ به طوری که بر اساس برخی آمارها، بیش از دو میلیارد نفر از جمعیت جهان هنوز متکی به استفاده از چوب برای سوخت هستند؛ همچنین بر اثر توسعه، بسیاری از درختان جنگلی برای مصرف داخلی و صادرات قطع شده‌اند؛ علاوه بر اینکه بر اثر قطع غیرقانونی درختان در جنگل‌های ملی، اکوسیستم‌های موجود در آنها تضعیف و نابود شده است.

اینها تنها بخش کوچکی از تهدیدهای پیش روی جنگل‌ها می‌باشد.^۱ در این مقاله سعی بر آن است که با بررسی قانون جنگل‌ها و مراتع در ایران، در راستای حمایت از حقوق محیط زیست به طور عام و حقوق پوشش گیاهی به طور خاص به این سؤال پاسخ دهیم که قوانین و مقررات داخلی در حوزه‌ی جنگل‌ها و مراتع، تا چه اندازه در حفظ حقوق آنها پاسخگو بوده است و همچنین ضمانت اجرای موجود در این قوانین (چه ضمانت اجرای حقوقی و چه کیفری) به چه میزان کارآمد بوده است؟ از این رو، این نوشته در دو گفتار کلی طرح شده است. در گفتار اول به طور کلی به جایگاه و نقش ضمانت اجرای کیفری و حقوقی در حفظ محیط زیست به همراه مشکلات موجود در آن می‌پردازیم و در گفتار دوم با بررسی قانون حفاظت از جنگل‌ها و مراتع، ضمانت اجرای حقوقی و کیفری آن را مورد بازبینی قرار می‌دهیم.

۱- کورو کولاسوریا، لال و رابینسون، نیکلاس؛ مبانی حقوق بین‌الملل محیط زیست، ترجمه محمد مهدی حسینی، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، سال ۱۳۹۰، صص ۶۹۲ - ۶۹۳.

گفتار اول: حمایت‌های حقوقی و کیفری در حفاظت از محیط زیست

الف) حقوق جزا و نقش آن در حمایت از محیط زیست

محیط زیست که پناهگاه امن حیات بشری و جایی برای بقا و تداوم حیات بشری در کنار سایر جانداران است از جمله نمودهای نخستین پدیداری امنیت، اعم از امنیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی محسوب می‌شود؛ به طوری که تمامی مفاهیم مرتبط با امنیت و حیات بشری، تابع و وابسته به آن است؛ از این رو، پدیده‌هایی نظیر آلودگی آب‌ها، انقراض گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری و زمین‌های آلوده به مواد سمی و شیمیایی، مواردی است که حیات بشری را با تهدیدهایی مواجه می‌سازد که در صورت عدم برخورد به موقع با آنها، می‌توانند خسارات جبران‌ناپذیری را وارد آورند؛ لذا به نظر می‌آید که جرم‌انگاری اعمال موجد آسیب‌های زیست‌محیطی، امری لازم و ضروری به نظر آید و به تعبیر دیگر، اگرچه رویکرد لایحه‌ی قضازدایی و حذف برخی عنوان‌های مجرمانه در موارد دیگر، سیاست مناسبی به نظر می‌آید اما در گستره‌ی امور زیست‌محیطی نمی‌تواند راهکاری مناسب و راه حلی درخور باشد.^۱

در طبقه‌بندی جرایم، از جرایم زیست‌محیطی بحثی نشده و جای آن کاملاً خالی است. جرایم زیست‌محیطی دارای آثار و ویژگی‌های متعددی هستند. از یک طرف می‌توان گفت که چون انواع آلودگی‌های زیست‌محیطی، سلامت و صحت افراد و آسایش روانی آنها را به مخاطره می‌افکنند لذا بر ضدّ تمامیت جسمانی و روانی انسان‌ها می‌باشند (تفسیر موسّع) و از طرف دیگر با توجه به اینکه برخی جرایم زیست‌محیطی، بر اموال مردم یا اموال عمومی، آثار نامطلوب گذاشته و یا موجب نابودی و انهدام آنها می‌گردند می‌توان گفت که جرایم علیه محیط زیست، در زمره‌ی جرایم علیه اموال می‌باشند؛ علاوه بر اینها، جرایم علیه محیط زیست، در مجموع، آثار نامطلوبی بر سلامت و صحت و آرامش روحی و روانی کلیه‌ی اعضای جامعه دارد بدون اینکه فرد یا افراد خاصی را مدنظر داشته باشد؛ لذا با این استدلال، جرایم علیه محیط زیست را می‌توان در زمره‌ی جرایم علیه آسایش عمومی قرار

۱- ساعد، محمدجعفر؛ حمایت جنایی از محیط زیست: کاربری راهبرد پیشروی یا پسروی حقوق کیفری، حقوق محیط زیست (نظریه‌ها، رویه‌ها)، دفتر حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت از محیط زیست، انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۲۶.

داد؛ در واقع می‌توان گفت که جرایم علیه محیط زیست، نوع خاصی از جرایم می‌باشند که تمامی ویژگی‌های سایر جرایم را در بر دارند.

در تمامی جرایم، وجود سه عنصر برای تحقق یک جرم لازم و ضروری است:

(۱) عنصر مادی جرم (۲) عنصر قانونی جرم (۳) عنصر روانی جرم.

این مسأله در خصوص جرایم علیه محیط زیست نیز می‌تواند صادق باشد؛ البته نه در خصوص تمامی اشکال آن؛ چراکه در مورد جرایم زیست‌محیطی که توسط شرکت‌ها ارتکاب می‌یابد، این مسأله جاری و ساری نیست.

از این مورد که بگذریم باید گفت که عنصر قانونی جرایم علیه محیط زیست، مجموع قوانین و مقرراتی است که وجود دارد.

عنصر مادی، مانند بسیاری از جرایم دیگر ممکن است به صورت فعل و ترک فعل صورت گیرد؛ اما ذکر این نکته ضروری است که جوهره و ماهیت فعل و ترک فعل در جرایم زیست‌محیطی در مقایسه با سایر جرایم، تا حدودی متفاوت است. عنصر روانی نیز گاهی به صورت عمد می‌باشد.

با توجه به وضعیت و بافت خاص جرایم علیه محیط زیست و شخصیت و اهداف مرتکبین این نوع جرایم، ایجاب می‌نماید که از سیاست کیفری و مجازات‌های خاص و متناوب استفاده شود. از ویژگی‌های خاص این جرایم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

(۱) میزان خسارت بالقوه و خسارت واقعی و عملی.

(۲) قصد و نیت: در گذشته در جرایم زیست‌محیطی، قصد کم یا سوءنیت ضعیف، از عوامل مخفّهی جرم بود. در این مورد، اساس مسؤلیت، بی‌توجهی و غفلت است. قصد و نیت، جزء لاینفک جرم نیست؛ لذا فقدان قصد و نیت یک دفاع محسوب نمی‌شود.

(۳) صرفه و هدف ناشی از جرم.

(۴) توانایی پرداخت.

(۵) اندازه و ثروت شرکت‌ها: میزان ثروت و قدرت مالی شرکت‌ها، یکی از عوامل تعیین‌کننده مجازات ذکر شده است. این فاکتور اغلب در ارتباط با توانایی پرداخت جریمه و همچنین در جهت تحقق شرایط لازم برای ارباب شرکت مطرح می‌شود؛ به این معنا که جریمه به صورت یک پروانه‌ی مجوز آلودن محیط زیست در نیاید.

(۶) قبول مجرمیت.

شکلی نیست که جریمه‌های نقدی، متداول‌ترین مجازات‌ها در مورد جرایم آلودگی محیط زیست می‌باشند. جریمه‌ی نقدی از این لحاظ مناسب است که اعمال آلوده‌کننده معمولاً از فعالیت‌های اقتصادی ناشی می‌شوند ولی در اکثر کشورهای سوسیالیست، جریمه‌های نقدی در مورد بزه‌های آلودگی محیط زیست پیش‌بینی نشده است.^۱ در قوانین ما عمده‌ترین مجازاتی که برای جرایم علیه محیط زیست در نظر گرفته شده است حبس و جزای نقدی به صورت منفرداً یا توأمان و با تشخیص دادگاه می‌باشد.

در مقررات کیفری مربوط به محیط زیست کشور ما، مصادره‌ی اموال به عنوان مجازات، چندان به چشم نمی‌خورد؛ اگرچه در برخی مواد قانونی به مصادره‌ی ابزار و وسایل ارتکاب جرم مانند وسایل صیادی و یا تفنگ و تیر شکاری اشاره شده است.^۲

تعطیل کردن مؤسسه، یکی دیگر از اشکال مجازات می‌باشد که در قوانین ایران پیش‌بینی شده است و با توجه به اینکه بسیاری از جرایم مهم علیه محیط زیست، از سوی شرکت‌ها، مؤسسات و کارخانه‌ها و کارگاه‌ها با هدف سودجویی و صرفه‌جویی در هزینه‌ها صورت می‌گیرد لذا تعطیل نمودن واحدهای آلوده‌کننده‌ی محیط، یکی از ابزارهای مؤثر و مفید در جهت مقابله با فعالیت‌های مخرب علیه محیط زیست و جلوگیری از آلودگی می‌باشد.^۳

در مقررات زیست‌محیطی ایران، به سازمان حفاظت از محیط زیست در بسیاری از موارد اجازه داده شده است که رأساً یا از طریق مراجع قضایی نسبت به تعطیلی دائم یا موقت واحدهای آلوده‌کننده‌ی محیط اقدام نماید.^۴ تعطیل کردن دائم یا موقت واحد آلوده‌کننده، علاوه بر اینکه می‌تواند به عنوان مجازات مورد استفاده قرار گیرد در مورد واحدهایی که ادامه‌ی فعالیت آنها همراه با استمرار انواع آلودگی‌های محیط زیست می‌باشد می‌تواند به عنوان عامل پیشگیری‌کننده و یا قطع استمرار آلودگی محیط زیست استفاده شود. از نظر حقوقی، تعطیل کردن مؤسسه، در زمره‌ی اقدامات تأمینی و تربیتی و به صورت جزئی‌تر، اقدامات تأمینی مالی می‌باشد.

۱- همان؛ ص ۱۹.

۲- قاسمی، ناصر؛ حقوق کیفری محیط زیست: مطالعه تطبیقی در حقوق ملی و بین‌المللی، انتشارات خرسندی، چاپ اول (ویرایش سوم)، ۱۳۹۱، ص ۲۲۲.

۳- همان؛ ص ۲۲۷.

۴- ماده ۱۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳/۳/۲۸ و اصلاحیه ۱۳۷۱/۸/۲۴.

بنابراین با توجه به وضعیت و چگونگی هر یک از جرایم علیه محیط زیست و شدت و اهمیت آن، بهتر است مجازات مناسب آن انتخاب و به کار گرفته شود.

در خصوص مسؤلیت کیفری برای اشخاص حقوقی، رویه‌ی قضایی ایران حاکی از آن است که شرکت‌ها و کارخانجات به عنوان اشخاص حقوقی، دارای مسؤلیت کیفری می‌باشند؛ لکن مجازات‌هایی که در مورد آنها به کار می‌رود عمدتاً به جزای نقدی و یا تعطیلی دائم یا موقتی آنها محدود می‌شود.^۱ اما برخی از حقوق دانان، مخالف وجود مسؤلیت کیفری برای اشخاص حقوقی هستند و دلایل آنها برای ابراز مخالفت به شرح زیر است:

(۱) شخص حقوقی، فاقد قدرت طبیعی و درک و حس است و برای هر نوع عملی باید متوسل به وجود انسانی شود؛ لذا شخص حقوقی، فاقد قصد و اراده بوده و قابلیت ارتکاب خطا و جرم را ندارد.

(۲) مجازات‌های پیش‌بینی شده در قانون جزا فقط قابل اعمال بر اشخاص حقیقی است و اغلب این مجازات‌ها مانند اعدام و حبس را در مورد اشخاص حقوقی نمی‌شود اعمال نمود.

(۳) هدف‌های مجازات در مورد شخص حقیقی علاوه بر اصلاح و تربیت او، ایجاد ترس و عبرت عمومی و فردی عنوان شده است. این نقش‌های مجازات فقط در مورد افراد انسانی عنوان شده است و فقط در مورد آنها قابل تصور است نه شخص حقوقی.

(۴) اعتقاد به مسؤلیت کیفری برای اشخاص حقوقی، مغایر با اصل شخصی بودن مجازات‌هاست؛ چراکه در صورت تخلف و ارتکاب جرم از ناحیه‌ی مدیران، تمامی سهام‌داران و اعضای شخص حقوقی را مجازات کرده‌ایم؛ درحالی‌که آنان هیچ‌گونه دخالتی در ارتکاب جرم نداشته‌اند.

در حقوق آمریکا و انگلستان، مسؤلیت جزایی شرکت‌ها و اشخاص حقوقی، یک سنت اسقرار یافته‌ای محسوب می‌شود؛ به خصوص در بخش محیط زیست، عدم مسؤلیت اشخاص حقوقی، مشکلات مهمی را به وجود می‌آورد؛ زیرا خطرناک‌ترین نوع آلودگی‌ها به وسیله‌ی مجتمع‌های صنعتی صورت می‌گیرد.^۲

۱- خزایی، منوچهر؛ جزوه حقوق جزای عمومی ۳، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۷، ص ۴.

۲- قوام، میرعظیم؛ حمایت کیفری از محیط زیست، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۳، ص ۱۱۸.

طبق اصل یازدهم^۱ اعلامیه ریو،^۲ کشورها باید قوانین زیست‌محیطی نیرومندی وضع کنند و بر اساس اصل سیزدهم^۳ نیز کشورها باید درباره‌ی غرامت و جبران ضرر و زیان قربانیان آلودگی و دیگر آسیب‌های زیست‌محیطی، قانون ملی وضع کنند. سابقه‌ی تدوین قوانین حمایت از محیط زیست در ایران به سال ۱۳۳۵ شمسی بر می‌گردد.

ب) حقوق خصوصی (مسئولیت مدنی) و نقش آن در حمایت از محیط زیست

به طور کلی توسعه در زمینه‌های مختلف معمولاً همراه با تخریب و آسیب‌های زیست‌محیطی است. ساختن راه‌ها، احداث کارخانه‌های تولیدی جدید، ارتقای کارخانه‌ها و شرکت‌های تولیدی قدیمی، تولید محصولات جدید اعم از تولیدات صنعتی و کشاورزی، همگی فرایندهایی هستند که معمولاً با تخریب محیط زیست رابطه‌ی مستقیم دارند؛ از این رو ایجاد یک سازوکار حقوقی مناسب، به خصوص در حوزه‌ی مسئولیت مدنی و ایجاد هماهنگی میان توسعه‌ی بیشتر و آسیب زیست‌محیطی کمتر، یکی از نیازهای اساسی کشورها به خصوص کشورهای در حال توسعه می‌باشد.

مسئولیت مدنی دارای سه رکن است:

- ۱) در خصوص زیان دیده: باید خسارات متحمل شده جبران شود.
 - ۲) در خصوص عامل زیان: باید به علت عمل ناروا مجازات شود.
 - ۳) در خصوص جامعه: الف) سبب بازدارندگی عاملین بالقوه‌ی زیان شود. ب) سبب ارتقای اهداف اقتصادی مانند درونی کردن هزینه‌ها^۴ و توزیع ضرر شود.
- سه عنصر سنتی مسئولیت مدنی عبارتند از: فعل زیان‌بار، اصل اقدام احتیاطی و اثبات تقصیر.

۱- اصل یازدهم اعلامیه ریو در مورد محیط زیست و توسعه: «دولت‌ها باید قوانین مؤثری را در زمینه محیط زیست تصویب نمایند...».

2- Rio Declaration on Environment & Development 1992.

۳- اصل سیزدهم اعلامیه ریو: «دولت‌ها باید قوانین ملی در خصوص مسئولیت ناشی از صدمات ناشی از آلودگی و دیگر صدمات وارده به محیط زیست و پرداخت غرامت به قربانیان این خسارات را تدوین نمایند...».

4- Internalization.

(۱) فعل زیان بار

یکی از خصوصیات آسیب‌های زیست‌محیطی این است که نتایج زیان‌بار آسیب‌های زیست‌محیطی، برگشت‌ناپذیر است؛ همچنین آلودگی، اثر مشترک و جمعی دارد و همچنانکه بر مقدار آن افزوده می‌شود با سایر علل جمع شده و در مدت طولانی وارد زنجیره‌ی غذایی می‌شود و فاجعه به بار می‌آورد. خسارات زیست‌محیطی، آثاری فراتر از زیان به همسایگان دارد. ممکن است خسارت به صورت جمعی وارد شده و اسباب متعدد و آثار جمعی داشته باشد. این خسارت ممکن است از مکان بروز خود ساطع شود و سرانجام اثبات رابطه‌ی سببیت آن بسیار دشوار است.^۱

بررسی خسارات زیست‌محیطی در قالب سه عنصر سنتی مسؤولیت مدنی (فعل زیان‌بار، اصل اقدام احتیاطی و اثبات تقصیر) بدین شرح است:

یک فعل زیان‌بار می‌تواند از طریق یک شخص خصوصی یا یک شخص عمومی ارتکاب پیدا کند؛ اما قوانین معمولاً از «بهره‌بردار»^۲ یا مؤسسه‌ای که به فعالیت‌های مضر می‌پردازند نام می‌برد. در تعریف بهره‌بردار می‌توان گفت: کسی است که بر فعالیت زیان‌بار، نظارت عملی مستقیم و مؤثر دارد و فعالیت حرفه‌ای را اجرا می‌کند.^۳

(۲) اصل اقدام احتیاطی

یکی از اصولی که در میان سیاست‌های زیست‌محیطی باید رعایت شود «اصل اقدام احتیاطی»^۴ است. بر اساس این اصل زیست‌محیطی، وقتی فعالیتی سبب بیم ورود زیان یا آسیب بدنی یا زیست‌محیطی می‌شود حتی اگر از نظر علمی به طور کامل رابطه‌ی علیت اثبات نشود، بایستی اقدام احتیاطی اتخاذ شود.^۵ اصل اقدام احتیاطی، یکی از مهم‌ترین

۱- رجبی، عبدالله؛ بررسی معیارهای ویژه در طراحی نظام مسؤولیت مدنی خسارات زیست‌محیطی، حقوق محیط زیست (نظریه‌ها، رویه‌ها)، دفتر حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت از محیط زیست، انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۵۹.

2- Operator.

۳- کاتوزیان، ناصر؛ انصاری، مهدی؛ مسؤولیت ناشی از خسارات‌های زیست‌محیطی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸، ص ۳۰۳. به نقل از: رجبی، عبدالله؛ پیشین، ص ۱۶۲.

4- Precautionary Principle.

5- Hayward, Tim, Constitutional Environmental Right, Oxford, New York, 2005, p.168.

اصول و مفاهیم حقوق بین الملل محیط زیست محسوب می شود؛^۱ با این وجود به دلیل عدم توافق در خصوص معنای دقیق آن، وضعیت حقوقی این مفهوم، روشن نیست؛ از همین رو به خاطر نگرانی نسبت به سوء استفاده از این اصل در جهت اهداف تجاری، تبدیل به یکی از اصول بسیار جنجالی شده است.^۲

اصل اقدام احتیاطی، آمارات را جابه جا می کند و خود اماره ای در جهت حق حفاظت در برابر مواد خطرناک زیست محیطی است. در اینجا بایستی طرفداران فناوری و فعالیت ها و فرآیندهای شیمیایی اثبات کنند که عمل آنان اثر خطرناکی ندارد. یک نمونه از اتخاذ اقدامات احتیاطی، منع یا محدود کردن جریان مواد یا محصولاتمانند زباله و ... است؛ البته بیشتر بهره برداران اقتصادی، درخواست می کنند که خطر این موارد ارزیابی شود؛ یعنی اینکه آیا خطر برای زیست محیط زیست و انسان، محدودیت ها را توجیه می کند؟^۳

۳) اثبات تقصیر

یکی از مهم ترین مباحث در مطالعه ی مسؤولیت مدنی، اثبات تقصیر است؛ در واقع، در هنگام ایجاد یک خسارت، زمانی می توان مسؤولیت مدنی را بر افراد بار کرد که تقصیر خوانده، به اثبات رسیده باشد. در خصوص مسؤولیت مدنی زیست محیطی، با برقراری اصل «آلاینده می پردازد»،^۴ برای عاملین زیان های زیست محیطی، مسؤولیت محض قائل شده اند که البته این اصل با توجه به عدم پذیرش مسؤولیت محض و پذیرش مسؤولیت مبتنی بر تقصیر، به طور کلی در نظام حقوقی ایران چندان مورد استقبال قرار نگرفته است.

۱- سند بین المللی این حق، اصل ۱۵ اعلامیه ۱۹۹۲ ریو می باشد: «به منظور حمایت از محیط زیست، رویکرد احتیاطی باید به طور گسترده توسط دولت ها متناسب با امکانات آنها اعمال گردد. در صورت خطر ورود صدمات شدید و غیر قابل جبران، فقدان دلایل قطعی علمی نباید بهانه ای برای تأخیر در اتخاذ تدابیر مؤثر برای پیشگیری از ورود صدمه به محیط زیست شود». تنظیم اصل احتیاطی در مقررات، کار نسبتاً جدیدی است. این اصطلاح در ابتدا یک اعلامیه ی تصویبی به وسیله کنفرانس بین المللی برای دریای شمال در سال ۱۹۸۷ پیدا شد و سپس در بیشتر اسناد تصویبی بین المللی در رابطه با حفاظت از محیط زیست از سال ۱۹۹۰ به بعد اعمال شده است. این اصل همچنین یکی از پایه های سیاست زیست محیطی اتحادیه اروپا تحت پیمان ۱۹۹۲ ماستریخت تلقی می گردد.

۲- کوروکولاسوریا، لال و رابینسون، نیکلاس؛ مبانی حقوق بین الملل محیط زیست، ص ۱۱۲.

۳- رجبی، عبدالله؛ بررسی معیارهای ویژه در طراحی نظام مسؤولیت مدنی خسارات زیست محیطی، ص ۱۶۳.

4- Polluter Pays Principle.

اصل «آلاینده می‌پردازد»، یک اصل اقتصادی است که از جنبه‌ی اخلاقی و توزیعی نیز توجیه‌پذیر است. این اصل بر پایه‌ی این باور است که سبب زیان، بایستی مسؤولیت را بر دوش بکشد و در اصطلاح حقوقی به این معناست که مسؤولیت زیان‌های زیست‌محیطی بایستی محض باشد و نه مبتنی بر تقصیر.

۴) نظریه‌های مسؤولیت در حوزه‌ی محیط زیست

۴-۱) نظریه‌ی مسؤولیت مبتنی بر تقصیر

این نظریه، در واقع قدیمی‌ترین نظریه در مسؤولیت مدنی زیست‌محیطی است که بر اساس آن، خسارات زیست‌محیطی، قابل مطالبه نیستند مگر اینکه بتوان تقصیر عامل ورود خسارت را اثبات کرد؛ بنابراین زیان دیده اگر بتواند ثابت کند که عامل زیان، در ورود خسارات تقصیر داشته است مسؤول خواهد بود. به تعبیر برخی حقوق‌دانان، این نظریه که تقریباً رویکرد شایع در رژیم مسؤولیت مدنی حقوقی ایران و اکثر نظام‌های حقوقی نظیر فرانسه است، با مبانی و فلسفه‌ی حقوق محیط زیست فاصله دارد؛^۱ در واقع پذیرش این نظریه، امکان جبران بسیاری از خسارت‌های زیست‌محیطی را دشوار می‌سازد؛ چراکه اثبات تقصیر در خسارات زیست‌محیطی برخلاف سایر حوزه‌ها دشوار است. این امر بیشتر ناشی از عوامل زیر است:

۱) ماهیت خسارات زیست‌محیطی.

۲) کثرت آلوده‌کنندگان و تخریب‌گران یا آلوده‌کنندگان متعدد.^۲

۳) انگیزه‌ی پایین قربانیان خسارات زیست‌محیطی جهت مطالبه‌ی ضرر و زیان.

۴) مشکلات مربوط به اثبات رابطه‌ی سببیت.^۳

با توجه به این مشکلات، برخی حقوق‌دانان به طرح نظریه‌ی خطر یا نظریه‌ی مبتنی

بر عدم تقصیر پرداخته‌اند.

۱- فهیمی، عزیزالله؛ فقه شیعه و تحول در مبانی مسؤولیت مدنی زیست‌محیطی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰، ص ۳۱۶.

2- Multiple Polluter.

۳- فهیمی، عزیزالله؛ فقه شیعه و تحول در مبانی مسؤولیت مدنی زیست‌محیطی، ص ۳۱۶.

۲-۴) نظریه‌ی خطر

این نظریه، به‌وسیله‌ی دو حقوقدان به نام‌های ژسران و سالی مطرح گردید و توسعه یافت. نظریه‌ی خطر یا نظریه‌ی مبتنی بر عدم تقصیر، حکایت از این دارد که هرکس که به فعالیتی پردازد و از آن نفعی ببرد محیطی خطرناک را برای دیگران به وجود می‌آورد و کسی که از این محیط منتفع می‌شود باید زیان‌های آن را جبران کند؛ بنابراین درخصوص مسؤولیت‌های مدنی زیست‌محیطی بر مبنای نظریه‌ی خطر، نیازی به اثبات تقصیر آلوده‌کننده نیست و همین که شخصی اقدام به فعالیتی کرد که به آلودگی و تخریب محیط زیست منجر شد باید از عهده‌ی خسارات وارده برآید؛ اعم از اینکه در واقع تقصیر داشته یا نداشته باشد.^۱

این نظریه، به نوبه‌ی خود به «نظریه‌ی خطر نفع» و «نظریه‌ی خطر فعالیت» تقسیم‌بندی می‌شود. امروزه این نظریه، نظریه‌ای مناسب برای جبران خسارات زیست-محیطی است و می‌تواند نقش بسیار مهمی در تقویت حمایت از محیط زیست داشته باشد؛ در واقع آلوده‌کننده‌ی محیط زیست، بر اساس این نظریه، در برابر خسارات زیست‌محیطی «مسؤولیت عینی» پیدا می‌کند.^۲

گفتار دوم: قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب**۱۳۴۶/۵/۲۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی****الف) کلیات مربوط به قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب****۱۳۴۶**

این قانون در هفت فصل و ۶۷ ماده و ۵۰ تبصره، تنظیم و در تاریخ ۱۳۴۶/۵/۳۰ به تصویب مجلس وقت رسیده است.^۳

۱- همان؛ ص ۳۱۶.

۲- همان؛ صص ۳۱۶ و ۳۱۷.

۳- لازم به یادآوری است که در سطح بین‌المللی نیز تعدادی اسناد مهم در حوزه حفاظت از جنگل‌ها و مراتع به تصویب رسیده است اما متأسفانه هیچکدام از این اسناد، الزام‌آور نیستند که از جمله آنها می‌توان به موافقت‌نامه بین‌المللی چوب جنگل‌های حاره‌ای ۱۹۸۳، اصول جنگل ریو ۱۹۹۲ و دستورالعمل ITTO برای مدیریت پایدار جنگل‌های طبیعی حاره‌ای ۱۹۹۰ اشاره کرد. در این اسناد یاد شده، به اصول کلی حفاظت از جنگل‌ها و

فصل اول این قانون اختصاص دارد به تعاریف و اصول کلی از قبیل تعریف اصطلاحات به کار رفته در این قانون مانند: تعریف جنگل، بوته‌ی جنگلی، بوته‌ی کویری، کنده، نهال، مراتع، مرتع مشجر، مرتع غیرمشجر، توده‌ی جنگلی و

فصل دوم این قانون با عنوان «حفاظت و بهره‌برداری»، به بحث پیرامون بهره‌برداری از منابع جنگلی در مصارف مختلف مانند تولید الوار، هیزم، زغال و چرای دام در این مناطق پرداخته است. به عنوان مثال: در ماده‌ی ۲ این قانون آمده است: «حفظ، احیا، اصلاح، توسعه و بهره‌برداری از جنگل‌ها، مراتع و بیشه‌های طبیعی و اراضی جنگلی ملی شده‌ی متعلق به دولت، بر عهده‌ی سازمان جنگلبانی ایران است».

در ماده‌ی ۲ این قانون اشاره شده است به اینکه بهره‌برداری از منابع جنگلی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی در هر مورد، طبق طرحی به عمل خواهد آمد که به تصویب وزارت منابع طبیعی (سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور) رسیده باشد.

در ماده‌ی ۷ این قانون اشاره شده است به اینکه «در پروانه‌ی بهره‌برداری، مشخصات و نحوه و مدت بهره‌برداری ذکر می‌شود. تخلف از شرایط مندرج در پروانه، به منزله‌ی بهره‌برداری بدون پروانه بوده و مرتکب به مجازات مقرر در این قانون خواهد رسید».

ماده‌ی ۱۴ این قانون، به مدت قراردادهایی اشاره دارد که سازمان جنگلبانی با اشخاص حقیقی و حقوقی منعقد می‌سازد: «مدت قراردادهایی که سازمان جنگلبانی با اشخاص حقیقی و حقوقی منعقد می‌سازد حداکثر سی سال است و شروع آن از تاریخ عقد قرارداد خواهد بود».

فصل سوم این قانون با عنوان «موضوع»، اشاره به عوارض، درآمدها، شاخص‌های عوارض، پروانه‌های صادره و ... دارد و به بحث در خصوص بهره‌برداری از جنگل‌ها می‌پردازد.

در ماده‌ی ۱۵ از همین فصل آمده است: «سازمان جنگلبانی (سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور) موظف است از متقاضیان بهره‌برداری از درختان جنگلی که در جنگل‌ها یا

پوشش‌های گیاهی اشاره شده است که برای استفاده پایدار از این منابع باید مورد توجه قرار گیرند. برای دستیابی به متن برخی از این اسناد ر.ک. به: موسوی، سیدفضل‌الله؛ سیر تحولات منابع حقوق بین‌الملل محیط زیست، نشر میزان، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۵، ص ۴۲۸.

مراتع مشجر یا بیشه‌های طبیعی یا اراضی جنگلی یا توده‌های جنگلی یا باغات و اراضی زراعتی واقع در مناطق جنگلی که به‌طور طبیعی روئیده‌اند برای هر متر مکعب درخت، عوارض زیر را دریافت دارد:

- (۱) برای درختان رده‌ی ۱ بند ۱۷ ماده‌ی ۱: ۳۰۰ ریال
- (۲) برای درختان رده‌ی ۲ بند ۱۷ ماده‌ی ۱: ۲۵۰ ریال
- (۳) برای درختان رده‌ی ۳ بند ۱۷ ماده‌ی ۱: ۱۵۰ ریال
- (۴) برای چوب هیزمی: ۳۵ ریال

فصل چهارم این قانون به بحث «سازمان و مقررات مالی» اشاره دارد. در خصوص وظایف سازمان جنگلبانی و نحوه‌ی شکل‌گیری گارد مسلح جنگل (گارد محیط زیست) نیز در ماده‌ی ۲۲ چنین آمده است: «برای حفظ و حراست جنگل‌ها و مراتع در صورت لزوم سازمانی به نام گارد مسلح جنگل در سازمان جنگلبانی از افسران، درجه‌داران و افراد ارتش تشکیل می‌شود».

ماده‌ی ۲۳ این قانون به وظایف سازمان جنگلبانی (سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور) پرداخته که عبارت است از:

- (۱) اداره‌ی امور سازمان جنگلبانی و مراتع ایران بر اساس قوانین و مقررات مربوط.
- (۲) استخدام و عزل و نصب کارکنان، طبق قوانین و مقررات مربوط و بر اساس تشکیلات و بودجه‌ی مصوب.
- (۳) نمایندگی دولت در مورد حقوق مالکیت مربوط به عرصه و اعیانی جنگل‌ها و مراتع و بیشه‌های طبیعی و اراضی جنگلی که ملک دولت بوده یا قانوناً به تملک دولت درآمده است.

(۴) نمایندگی دولت در مورد کلیه‌ی دعاوی مربوط به سازمان جنگلبانی و مراتع در مراجع اداری و قضایی و مؤسسات خصوصی اعم از داخلی و خارجی با حق انتخاب وکیل و اعطای وکالت در توکیل تا یک درجه.

در فصل پنجم این قانون با عنوان «تبدیل و واگذاری»، به بحث تبدیل و واگذاری اراضی جنگلی به مزرعه، باغ و مراتع و جنگل‌های مصنوعی و علوفه‌کاری و مؤسسات دامپروری و صنایع مربوط و ... پرداخته است و ماده‌ی ۳۱ آن بیان می‌دارد: «وزارت کشاورزی و منابع طبیعی (جهاد کشاورزی) مجاز است اراضی جنگلی جلگه‌ای حوزه‌ی

آستارا تا گلیداگی که حجم درختان سرپای موجود در هر هکتار آن کمتر از ۱۰۰ متر مکعب باشد و نیز مراتع غیرمشجر ملی کشور را بر اساس طرح‌هایی که تصویب خواهد نمود برای تبدیل به مزرعه و باغ و مراتع و جنگل‌های مصنوعی و علوفه‌کاری و مؤسسات دامپروری و صنایع مربوط به ایجاد مراکز و تأسیسات تولید و پرورش انواع ماهی و سایر آزیان و همچنین استقرار کارخانجات، اکتشاف و بهره‌برداری از معادن و ایجاد شهرک و احداث مسکن و تأسیس مدارس و مجتمع‌های آموزشی و مراکز بهداشتی و درمانی و تأسیسات ورزشی و جهانگردی، همچنین سایر مصارف عامی که به مباشرت دولت انجام می‌شود با رعایت مواد این فصل و مفاد آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون به اشخاص حقوقی زیر اجازه می‌دهد».

اما فصل ششم این قانون که موضوع اصلی این بحث را تشکیل می‌دهد درخصوص «جرایم و مجازات‌ها» می‌باشد. در ماده‌ی ۴۲ از این فصل، به ممنوعیت اعمالی مانند بریدن، ریشه‌کن کردن و سوزاندن نهال و درخت، بدون اخذ پروانه اشاره شده است و اینکه مرتکب به جریمه‌ی نقدی از ۲۰ تا ۵۰ ریال و در مورد بریدن و ریشه‌کن کردن درخت و تهیه‌ی چوب و هیزم و زغال، به حبس تأدیبی از ۱۱ روز تا ۶ ماه و پرداخت جریمه‌ی نقدی از یکصد تا هزار ریال نسبت به هر اصله درخت یا هر متر مکعب هیزم یا زغال محکوم می‌شود. ماده‌ی ۴۴ نیز به تخلف چرانیدن بز اشاره دارد.

ماده ۴۵ این قانون درخصوص آتش‌زنی نباتات در مزارع و باغات می‌باشد. این ماده بیان می‌دارد: «آتش زدن نباتات در مزارع و باغات داخل یا مجاور جنگل بدون اجازه و نظارت مأموران جنگلبانی ممنوع است. در صورتی که در نتیجه‌ی بی‌مبالاتی، حریق در جنگل ایجاد شود مرتکب به حبس تأدیبی از دو ماه تا یک سال محکوم خواهد شد».

مواد ۴۶ و ۴۷ نیز به بحث آتش‌سوزی اشاره دارد. ماده ۴۹ نیز مربوط به احداث کوره‌های زغال می‌باشد: «استفاده از کوره‌ی زغال موجود یا احداث کوره‌ی زغال جدید در جنگل یا مجاور آن مستلزم داشتن پروانه از سازمان جنگلبانی می‌باشد و متخلف به یک تا شش ماه حبس تأدیبی محکوم خواهد شد» و در تبصره‌ی همین ماده آمده است که سازمان جنگلبانی مجاز خواهد بود که کوره‌های زغال بدون پروانه‌ی مذکور در این ماده را خراب نماید.

در ماده‌ی ۵۱ این قانون آمده است: «هیچ یک از کارکنان سازمان جنگلبانی اعم از فنی یا اداری حق ندارد مستقیماً یا با واسطه، در معاملات محصولات جنگل که جنبه‌ی

تجارت داشته باشد شرکت نمایند. در صورت تخلف، به حبس تأدیبی از یک تا شش ماه محکوم و همچنین برای همیشه از خدمت کادر جنگلبانی محروم خواهند شد». نهایتاً ماده‌ی ۵۲ این قانون اشاره به علامت ویژه‌ی جنگلبانی دارد: «علامت ویژه‌ی جنگلبانی، علامت رسمی دولتی است و تقلیدکننده، جاعل محسوب و طبق قانون مجازات اسلامی تعقیب خواهد شد».

فصل هفتم این قانون در مورد مقررات مختلف می‌باشد و از موارد مهم آن می‌توان به برخی از مواد از جمله ماده‌ی ۵۳ اشاره کرد: «دادسراها و دادگاه‌ها موظف‌اند پرونده‌های جزایی (اعم از خلافی و غیره) ارسال شده از طرف سازمان جنگلبانی واحد تابع را خارج از نوبت رسیدگی نمایند». ماده‌ی ۵۴ نیز مأمورین جنگلبانی را در حکم ضابطین دادگستری قرار می‌دهد.

ب) بررسی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع

این قانون، یک قانون خاص مرتبط با محیط زیست در جهت حفاظت و حمایت از جنگل‌ها و مراتع کشور است. در ماده‌ی ۱۵ این قانون در خصوص اخذ عوارض که در صفحات قبل بدان اشاره شد باید گفت که قانون‌گذار به درستی امکان اخذ عوارض از پوشش‌های طبیعی قرار گرفته در عرصه‌ی مستثنیات قانونی اشخاص را پیش‌بینی کرده است اما آیا این قانون، حمایتی به شکل تخصیص فضای اختصاصی یا مثلاً زیراشکوب (سایه‌انداز درخت) برای هر درخت و دیگر گونه‌های خودروی جنگلی در این قبیل اراضی قائل شده است؟

توضیح اینکه ریشه‌های برخی درختان جنگلی مانند بلوط، اکثراً در سایه‌انداز آن قرار دارد به طوری که با شخم زدن اراضی زیراشکوب، به ریشه‌های این درختان خسارات جدی وارد می‌شود و یا بر اثر تبخیر رطوبت از خاک شخم خورده، درخت دچار یک شوک آبی شده و به ویژه هنگام خشکسالی منجر به خشکیدن کامل یا ضعف مفرط درخت جنگلی می‌گردد؛ بنابراین آیا ضمانت‌اجراهای مندرج در این قانون می‌تواند از منع شخم زیراشکوب درختان جنگلی حمایت کند؟ در صورتی که جواب مثبت است، آیا این یک ضمانت اجرای کیفری، مدنی و اداری و یا ... است؟^۱

۱- نمونه بارز این موضوع، اقدام فردی به حفر گودال‌های متعدد در جهت غرس نهال مشمر در مستثنیات قانونی

این قانون در ماده‌ی ۵۵ خود برای نخستین بار اقدام به جرم‌انگاری تجاوز به منابع طبیعی کرده است. بر اساس این ماده «هرکس به قصد تصرف، به منابع ملی مذکور در قانون ملی شدن جنگل‌های کشور تجاوز کند به یک تا سه سال حبس تأدیبی محکوم خواهد شد».^۱

مواد ۴۲ تا ۴۸ این قانون به ذکر جرایمی پرداخته‌اند که به طور مستقیم، جنگل‌ها و مراتع را مورد حمله و تعرض قرار می‌دهند. به موجب ماده‌ی ۴۲ قانون مزبور «بریدن، ریشه‌کن کردن و سوزانیدن نهال و درخت و تهیه‌ی چوب و هیزم و زغال از منابع ملی و توده‌های جنگلی بدون اخذ پروانه از وزارت منابع طبیعی ممنوع است. مرتکب در مورد بریدن، ریشه‌کن کردن و سوزانیدن هر اصله نهال به پرداخت جریمه‌ی نقدی از ۲۰ تا ۵۰ ریال و در مورد بریدن و ریشه‌کن کردن درخت و هیزم و زغال، به حبس تأدیبی از ۱۱ روز تا شش ماه و پرداخت جریمه‌ی نقدی از یکصد تا یکصد هزار ریال نسبت به هر اصله درخت یا هر متر مکعب هیزم یا زغال محکوم می‌شود.^۲ در تمام موارد، عین مال نیز ضبط و به ترتیب مقرر در ماده‌ی ۲۸ این قانون عمل خواهد شد».

خود در منطقه جنگلی دشت برم کازرون می‌باشد. در عرصه تحت مالکیت وی بیش از یکصد درخت خودروی بلوط قرار داشت که گودال‌ها عمدتاً در زیراشکوب (سایه‌انداز) درختان بلوط حفر گردیده و باعث وارد آمدن آسیب‌های جدی به ریشه‌های درخت شده و در آینده بر اثر رشد نهال‌های مثمر، مسلماً مزاحمت‌هایی برای درختان بلوط ایجاد و مالک را ناگزیر از قطع درختان بلوط جهت امکان رشد و ثمردهی نهال‌های مغروسه می‌نمود. در این مورد اداره منابع طبیعی محل، معتقد به عدم وجود ضمانت اجرای کیفری برای این اقدام و عدم قابلیت طرح شکایت کیفری در دادسرای مربوطه به لحاظ قرار داشتن محدوده فعالیت این کشاورز در مستثنیات قانونی زراعی بود. همچنین ر.ک. به: رأی وحدت رویه شماره ۶۸۱ مورخ ۸۴/۷/۲۶، ردیف ۱۳/۸۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور.

۱- به نظر می‌رسد این ماده توسط ماده ۶۹۰ از کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نسخ شده است. لازم به یادآوری است که در مقام مقایسه این ماده با ماده ۶۹۰ برخی معایب و برخی مزایا وجود دارد. معایب این ماده نسبت به ماده ۶۹۰ عبارتند از: ۱) پیش‌بینی اعاده وضع به حال سابق ضمن حکم کیفری در ماده ۶۹۰ ق.م.ا. ۲) قابلیت صدور دستور موقت عملیات متجاوز تا صدور حکم قطعی. ۳) ظرفیت قانونی مندرج در تبصره ۲ ماده ۶۹۰ که صدور قرار تأمین بازداشت موقت است در مواردی که تصرف عدوانی به صورت دسته جمعی صورت می‌پذیرد؛ و از جمله مزایای ماده ۵۵ نسبت به ماده ۶۹۰ می‌توان به شدت مجازات حبس اشاره کرد که در ماده ۵۵، حبس از یک سال تا سه سال می‌باشد و در ماده ۶۹۰ از یک ماه تا یک سال در نظر گرفته شده است.

۲- رویه قضایی ایران در اعمال مجازات حبس برای مرتکبین اعمال مجرمانه این ماده، کاملاً گریزان است.

قسمت اخیر این ماده در خصوص «ضبط مال در تمام موارد» چنان است که گویی در نظر قانون‌گذار، ارتکاب جرایم مورد اشاره الزاماً منتهی به تحصیل منفعتی خواهد شد در حالی که چه بسا اعمال مذکور صرفاً به قصد تفنّن و سرگرمی ارتکاب یابند و مجرم در پایان کار بی‌آنکه مالی از قبیل چوب، هیزم و زغال جمع‌آوری و تحصیل نماید از محل وقوع جرم خارج می‌شود.^۱

همچنین در این قانون، قانون‌گذار از دیگر انواع پوشش گیاهی غافل مانده است و در ماده‌ی ۴۳ این‌گونه بیان کرده است که: «بریدن و ریشه‌کن کردن بوته‌ها و خارها و درختچه‌های بیابانی و کویری و کوهستانی در مناطق کویری و بیابانی ممنوع است. متخلف به حبس تا ۱۰ روز یا غرامت تا ۲۰۱ ریال محکوم و در صورت تکرار جرم به هر دو مجازات محکوم خواهد شد». به موجب تبصره‌ی این ماده «انجام عملیات مذکور در بالا، در صورتی که به منظور زراعت یا درختکاری و ایجاد بادشکن یا مرتع مشجر یا غیرمشجر و همچنین به منظور تأمین حواجی دیگر اهالی باشد با اجازه‌ی سازمان جنگلبانی و طبق شرایطی که از طرف سازمان مزبور تعیین می‌شود مجاز است».^۲

در رابطه با مواد مذکور، ذکر چند نکته به شرح زیر مفید خواهد بود و به ویژه از منظر آسیب‌شناسی می‌تواند مؤثر باشد:

نکته‌ی نخست اینکه جریمه‌ی ثابت یا نسبی مذکور در مواد ۴۲ و ۴۳ را به خاطر کاهش شدید ارزش پول، به سختی می‌توان مجازات دانست؛ بنابراین لازم است تا قانون‌گذار در این خصوص، اقدامات لازم را به عمل آورد.

نکته‌ی دوم اینکه هدف از وضع ماده‌ی ۴۲، حمایت مستقیم از جنگل‌ها و مراتع کشوری می‌باشد؛ درحالی‌که هدف و مقصود ماده‌ی ۴۳، بیابان‌زدایی و جلوگیری از گسترش بیابان و تثبیت شن‌های روان می‌باشد.

نکته‌ی سوم اینکه از دیگر عوامل تخریب منابع طبیعی، چرای بی‌رویه‌ی دام است. به

۱- عبداللهی، محسن و دیگران؛ حقوق کیفری محیط زیست: ملاحظات و راهکارها، تهران، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۲۸.

۲- در وضعیت موجود به نظر می‌رسد که اختیارات گسترده سازمان جنگل‌ها و مراتع، از قبیل موارد مندرج در ماده ۴۳ قانون باید محدود شود و مطلق انجام عملیات مذکور جرم‌انگاری گردد.

موجب ماده‌ی ۴۳ مکرر این قانون: «به منظور جلوگیری از پر شدن مخازن سدها و حرکت ریگ‌های روان، همچنین حفاظت و پیشگیری از فرسایش خاکی، مناطقی که از طرف وزارت منابع طبیعی تشخیص داده می‌شود، قرق اعلام می‌گردد و چرانیدن دام و زراعت در این مناطق قرق شده به طور کلی ممنوع است».

به موجب ماده‌ی ۴۴: «چرانیدن بز در جنگل‌ها و مراتع و مناطقی که از طرف سازمان جنگلبانی تعیین و آگهی شده است ممنوع و متخلف به پرداخت غرامت از ده تا یکصد ریال برای هر رأس بز محکوم می‌شود».

از آنجا که چرای بی‌رویه‌ی دام، به طور کلی برای منابع طبیعی کشور زیان‌آور است معلوم نیست چرا قانون‌گذار در از بین بردن انواع دام، تنها چرانیدن بز را ممنوع اعلام کرده است. شاید این امر ناشی از شیوه‌ی عرفی استفاده از این نوع دام و یا تخریب وسیع‌تر این نوع دام باشد؛ به هر حال به منظور از بین بردن ایراد مزبور و مجازات مطلق چرای دام، قانون‌گذار در تاریخ ۱۳۴۸/۱/۲۶ در قانونی با عنوان «قانون اصلاح قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها» تمام انواع دام را ذکر می‌کند.

همچنین از حیث آسیب‌شناسی ذکر این نکته لازم است که مقدار مجازات تعیین شده برای هر رأس بز، مقدار اندک و ناچیزی است؛ از این رو لازم است قانون‌گذار به نحو مقتضی برای انطباق این مبلغ با وضع موجود اقدام نماید؛ همچنین عدم رعایت تشریفات قانونی توسط وزارت جهاد کشاورزی، خود نیز یک آسیب می‌باشد. بدون تردید ضمانت اجرای ضبط دام بدون در دست داشتن حکم قضایی، امری است که از نظر حقوقی نمی‌تواند قابل توجیه باشد؛ چراکه مطابق یک اصل مسلم حقوقی، هیچ‌کس نمی‌تواند قاضی اعمال خود باشد و در این مورد سازمان‌های عمومی نیز از این قاعده مستثنا نیستند؛ حتی در مواردی که دادگاه به نفع یک سازمان عمومی نیز رأی صادر می‌کند باز هم این حکم باید از طریق اجرای احکام دادگستری اجرا شود و آن سازمان نمی‌تواند رأساً به اجرای حکم اقدام نماید؛ لذا با وصف مزبور به طریق اولی در مرحله‌ی رسیدگی و صدور حکم در مورد ضبط دام‌هایی که خلاف مقررات به چرا در منابع جنگلی پرداخته‌اند تنها دادگاه صالح حق قضاوت و تصمیم‌گیری دارد نه سازمان مذکور؛ شاید به همین دلیل باشد که شورای نگهبان نیز در نظریه‌ای، ضمانت اجرای مزبور را نپذیرفته و آن را غیر شرعی دانسته است.^۱

۱- شمس، احمد؛ نظام حقوقی اراضی ملی شده، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۵، ص ۱۴۴.

ماده‌ی ۴۵ این قانون همان‌طور که قبلاً اشاره شد در خصوص آتش‌زنی نباتات و باغ‌ها در داخل یا مجاور جنگل و ممنوعیت این عمل بدون اجازه و نظارت مأموران جنگلبانی است. رویه‌ی قضایی ایران در اعمال مجازات حبس برای مرتکبین بزه در این ماده‌ی مذکور، نه تنها کاملاً گریزان است بلکه اکثر قضات بدون اطلاع از عدم نیاز به عنصر معنوی به شکل قصد عمدی برای تحقق بزه مندرج در این ماده، معتقد به تحقق این بزه با وجود قصد عمدی هستند؛ برای نمونه در پرونده کلاسه ۹۳۱۱۵۳ مربوط به آتش‌سوزی جنگل‌های بلوط در منطقه سمغان کازرون که متهم در دفاع، علت آتش‌سوزی را قصد اولیه وی به آتش زدن علفزارهای باغ خود عنوان می‌نمود، با این توضیح که غرس اشجار باغ نیز در اراضی ملی صورت گرفته بود؛ در عمل دادگاه در دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۷۸۲۳۴۰۱۶۴۵ بدون توجه به عدم نیاز به اثبات عمدی بودن بزه در این مسیر حرکت نموده و در جهت اثبات عمدی بودن آتش‌سوزی حرکت نموده است.

مواد ۴۶ و ۴۷ که به بحث آتش‌سوزی در خود جنگل‌ها اشاره دارند نیز از جمله مواد هستند که اعمال مجازات حبس موجود در آنها، در رویه‌ی قضایی ایران کاملاً مورد پذیرش قرار نگرفته است.

ماده‌ی ۴۹ از این قانون نیز اشاره به احداث کوره‌های زغال دارد و اینکه احداث این کوره‌ها بدون پروانه، دارای مجازات حبس از یک تا شش ماه می‌باشد.

سؤالی که در این خصوص به ذهن متبادر می‌شود این است که آیا تخریب کوره‌های زغال، شامل تخریب و پر کردن گودال‌های ایجادی در جنگل‌ها و نیز قلع قلمه‌های مغروسه و یا کندن نهال‌های کاشته شده می‌شود؟ ابهامی که به نظر می‌رسد در قوانین ایران، از جمله قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع وجود دارد و تصور عدم امکان قانونی برای سازمان جنگل‌ها و مراتع در خصوص موارد اعلامی و نیز درختان کاشته شده در عرصه‌ی ملی ایجاد نموده است.

علاوه بر این، در خصوص کاشت خشخاش در اراضی که توأم با تخریب عرصه و قلع بوته‌ها و درختچه‌ها و سایر پوشش‌های گیاهی است عملیات امحای بوته‌های خشخاش به راحتی توسط دولت بدون نیاز به دستور و یا حکم قضایی، سالانه صورت می‌پذیرد؛ اما برای قطع و قلع و قمع درختان مثمر غرس شده در عرصه‌های جنگلی متأسفانه نیاز به صدور حکم قطعیت یافته می‌باشد.

ج) بررسی و تحلیل قوانین لاحق در حفاظت از جنگل‌ها و مراتع

قانون‌گذار در قوانین بعدی به مرور، برخی از نواقص و کمبودهای قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی را جبران نمود که اهم آنها عبارتند از:

۱) اصل چهل و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸. به موجب این اصل «انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات و رها شده، معادن، ...، جنگل‌ها، نزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ... در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند». مبنای این اصل، مقررات شریعت دین مبین اسلام می‌باشد که به موجب آن، منابع و مواهب طبیعی از قبیل جنگل‌ها و مراتع، جزء انفال الهی می‌باشد؛ اما متأسفانه علی‌رغم وجود این اصل و مبانی قوی شرعی آن، این موضوع به صورت خیلی کم‌رنگ وارد قوانین موضوعه‌ی ایران گردیده است؛ برای نمونه، علی‌رغم تصویب قوانین و انجام اقدامات متعددی که قبل از انقلاب در حوزه‌ی موقوفات که منجر به تقسیم و واگذاری موقوفات به زارعین صاحب نسق و یا فروش موقوفات گردید لکن بعد از انقلاب اسلامی با توجه به مبانی شرعی عقد وقف و صبغهی مذهبی اکثر موقوفات، به خصوص از جهت مورد مصرف آن، که عمدتاً برگزاری جلسات عزاداری حضرت امام حسین (ع) بود دولت جمهوری اسلامی ایران با وضع قوانین جدید از جمله قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۶۳/۱/۲۸ با الحاقات بعدی، مبادرت به لغو قوانین و فروش سابق موقوفات و اعاده‌ی مجدد آن به وقفیت نمود. در ادامه نیز محاکم دادگستری جمهوری اسلامی طی احکام متعدد در موضوعات تولیت موقوفات، اثبات وقفیت و اعلام ابطال اسناد و فروش موقوفات، حمایت‌های زیادی از موقوفات معمول نمودند؛^۱ هرچند در پاره‌ای موارد تعارضاتی بین موقوفات و جنگل‌ها و مراتع (انفال الهی) رخ داد؛ بدین صورت

۱- نکته شایان ذکر این است که هرچند مقررات قانون اصلاحات ارضی، غیر شرعی بود و به موجب آن به حقوق مالکانه افراد زیادی تجاوز گردید اما این رویکرد از سوی قانون‌گذار بعد از انقلاب در خصوص فروش و تقسیم و اجاره این املاک به زارعین صاحب نسق مشاهده نگردید در حالی که اهمیت حق‌الناس که از مصادیق آن حقوق مربوط به مالکیت اشخاص بر اموالشان می‌باشد در شریعت اسلام کمتر از وقف نیست.

که در برخی موقوفات که در اسناد وقفیت آن علاوه بر مزارع و دهات، به وقف مراتع و جنگل‌های واقع در محدوده‌ی موقوفه اشاره گردیده است، مسؤولین سازمان اوقاف و امور خیریه و حتی برخی دادگاه‌های دادگستری، قایل به شمول عنوان وقف نسبت به این قبیل جنگل‌ها و مراتع شده‌اند؛ درحالی‌که اموال موضوع تحت شمول انفال، در اختیار حکومت اسلامی است و قابلیت تملک ندارند؛ لذا وقف آنها صحیح نمی‌باشد.^۱

نتیجه آنکه متولیان حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی بایستی با تشریح مبانی شرعی جنگل‌ها و مراتع، اذهان مسؤولین سازمان اوقاف و امور خیریه، وزارت جهاد کشاورزی و قضات دادگستری را در این خصوص روشن سازند تا از تجاوز به بخشی از جنگل‌ها و مراتع تحت عنوان موقوفه و یا حریم موقوفات جلوگیری به عمل آورد.

۲) تبصره‌ی ۴ ماده واحدی قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده‌ی ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۶۷/۶/۲۲ با اصلاحات بعدی. این تبصره اشعار می‌دارد: «دولت موظف است توسط دستگاه‌های ذی‌ربط نسبت به خلع ید از اراضی متصرفی بعد از اعلام مورخ ۱۳۶۵/۱۲/۲۶ دولت جمهوری اسلامی اقدام لازم به عمل آورد».

۱- برای نمونه: رأی شماره ۹۱۰۹۹۷۷۷۵۲۶۳۰۰۷۵۷ صادره از شعبه اول دادگاه بخش جره و بالاده در مورد اعلام وقفیت شش دانگ پلاک ملااره، برخلاف نظریه کارشناسان رسمی دادگستری که به موجب آن از مجموع ۵۵۵۵ هکتار شش دانگ پلاک، مقدار ۲۵۰۰ هکتار به عنوان مستثنیات موقوفه و مابقی با توجه به پوشش‌های مرتعی، شیب زمین، جنس خاک و ... جزء اراضی ملی در نظر گرفته شده بود و رأی بعدی به شماره ۹۲۰۹۹۷۷۱۱۹۹۰۰۱۱۲ به تاریخ ۹۲/۲/۷ صادره از شعبه ۹ دادگاه تجدیدنظر، که به استناد نظریه کارشناسان دادنامه بدوی را نقض و سهام اراضی ملی را به میزان مذکور لحاظ نمود اما در بخش مستثنیات اعلامی در رأی، ۱۶۰ هکتار از اراضی دریاچه پریشان به عنوان مستثنیات پلاک موقوفه لحاظ گردیده است که با توجه به عکس‌های هوایی که بخشی از این محدوده را به عنوان بستر آبگیر دریاچه و بخش دیگر را دارای پوشش‌های گیاهان تالابی نشان می‌دهد از سوی دادستانی کازرون نسبت به آن تقاضای اعمال ماده ۱۸ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب گردیده که در حال بررسی است؛ اداره حقوقی قوه قضائیه نیز طی نظریه شماره ۴۴۵۷ مورخ ۸۹/۲/۴ در پاسخ به سؤال مدیر کل امور آب منطقه قزوین اعلام داشته است: نظر به اینکه طبق قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷ و قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱، بستر و حریم رودخانه‌ها جزء مشترکات مردم و ثروت ملی محسوب می‌شود، بالفرض که این بستر از محدوده زمین‌های موقوفه بگذرد، به لحاظ اینکه وقف در انفال و اموال عمومی مصداق ندارد این اراضی در اختیار وزارت نیرو و دولتی محسوب می‌شود.

قانون گذار با این حکم عملاً دستگاه‌های متولی حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی را از نیاز به طرح شکایات کیفری و یا دعاوی حقوقی نسبت به تصرفات عدوانی عرصه‌های ملی شده‌ی بعد از تاریخ فوق‌الذکر مستغنی نمود که این نوآوری، گام بسیار مهمی در صیانت از جنگل‌ها و مراتع و به طور کلی زیستگاه‌های طبیعی محسوب می‌گردد؛ هرچند متأسفانه این قانون عملاً متروک مانده است اما اخیراً گرایش‌هایی به آن دیده می‌شود؛ از جمله بخشنامه شماره ۲/۶۲۰ مورخ ۱۳۹۳/۵/۶ رئیس کل دادگستری استان فارس که به موجب آن به کلیه‌ی حوزه‌های قضایی آن استان اعلام نمود: «... به موجب تبصره‌ی ۴ قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده‌ی ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۶۷/۶/۲۲، دولت موظف است رأساً توسط دستگاه‌های ذی‌ربط نسبت به خلع ید از اراضی متصرفی دولتی بعد از مورخ ۱۳۶۵/۱۲/۲۶ اقدام نماید. نظر به اینکه بررسی‌های به عمل آمده، دلالت بر آن دارد که بسیاری از دستگاه‌های مسؤول دولتی از قبیل جهاد کشاورزی، منابع طبیعی، شهرداری، راه و شهرسازی، امور اراضی و ... به این تکلیف قانونی خود عمل ننموده‌اند و در مقام تصرف اراضی دولتی بعد از مورخ ۱۳۶۵/۱۲/۲۶ مبادرت به طرح شکایت در مراجع قضایی می‌نمایند که این امر علاوه بر افزایش ورودی، بعضاً به علت اطالاه‌ی دادرسی، سبب تضییع حقوق بیت‌المال می‌گردد؛ علی‌هذا به منظور پیشگیری از تصرف اراضی ملی و دولتی و برخورد فوری و به موقع با متصرفان این قبیل اراضی، ضمن طرح موضوع در شورای حفظ حقوق بیت‌المال آن حوزه‌ی قضایی، مراتب به منظور اعمال و اجرای مقررات مارالذکر از طریق دستگاه‌های مربوطه، پیگیری و دستگاه‌های دولتی که در اجرای این وظیفه‌ی قانونی مسامحه و سهل‌انگاری می‌نمایند به صورت مکتوب معرفی نمایید».

در راستای همین بخشنامه و به عنوان نمونه، دادستانی عمومی و انقلاب کازرون درخصوص گزارشات واصله از اداره‌ی حفاظت محیط زیست مبنی بر تصرف بخش‌هایی از اراضی ملی واقع در حاشیه‌ی تالاب بین‌المللی پریشان^۱ از طریق حفر گودال و غرس

۱- دریاچه پریشان (فامور) یکی از زیباترین و بزرگ‌ترین دریاچه‌های آب شیرین ایران و خاورمیانه است که در بخش مرکزی شهرستان کازرون قرار دارد. این دریاچه به نام‌های مور، پریشان و فامور نیز شناخته شده است. مساحت آن ۵۳۰۰ هکتار و ارتفاع آن از سطح آب‌های آزاد ۸۲۰ متر است. حوزه آبریز آن ۵/۲۶۶ کیلومتر

تعدادی قلمه و نهال و ایجاد شبکه‌ی آبیاری تحت فشار در آن، طی دو مکاتبه‌ی اداری، دستورات مشروحه‌ی مبنی بر پر کردن گودال‌ها، بیرون کشیدن قلمه‌ها و نهال‌های تازه کاشت، جمع‌آوری شبکه‌ی آبیاری ایجاد و ... صادر نمود.^۱

مربع است و بیشترین مساحت را در اردیبهشت ماه دارد. این دریاچه در کنوانسیون رامسر در سال ۱۹۷۱ به عنوان تالاب بین‌المللی ثبت گردیده است و در تقسیم‌بندی مناطق، جزء مناطق حفاظت شده محسوب می‌گردد. این دریاچه بر اثر دخالت‌های انسانی، از جمله تصرف اراضی در سابق، ایجاد کانال‌های زهکش به منظور خشکاندن مناطق باتلاقی تالاب به طول ۱۵ کیلومتر، سوزاندن بخش بزرگی از نیزارهای اطراف، حفر چاه‌های غیر مجاز و اضافه برداشت چاه‌های مجاز، تجاوز به آب چشمه‌ها، مسدود کردن دهانه برخی چشمه‌ها، عملیات راه‌سازی در سال ۱۳۸۷ و ... در معرض خطر است؛ برای نمونه، تنها بر اثر آتش‌سوزی‌ها، هزاران قطعه لاک‌پشت و پرنده مهاجر از بین رفته‌اند؛ همچنین تمام دریاچه به علت اعمال مجرمانه فوق و خشک‌سالی سال‌های اخیر خشک شده است. اقدامات مناسبی از سوی اداره حفاظت محیط زیست و دادستانی کازرون و سایر مراجع ذی‌ربط از سال ۱۳۸۷ در حوزه خاک دریاچه صورت گرفته است که توقف جاده‌سازی و تعقیب قضایی پیمانکار و اداره مجری آن، تعیین جاده جایگزین در فاصله مناسب از دریاچه، برخورد قضایی با متصرفین منتهی به خلع ید ۱۰۸۵ و ۴۸۸ هکتار اراضی خریداری شده‌ی سازمان حفاظت محیط زیست در سال ۱۳۵۳، اجرای خاک‌ریز حفاظتی در کل محیط دریاچه، پر کردن کلیه کانال‌های زهکش، صدور سند رسمی مالکیت برای بیش از ۴۷۰۰ هکتار اراضی مستحدث آن، اجرای احکام قضایی و پر کردن بیش از ۱۰۰ حلقه چاه غیر مجاز در اطراف آن، تعیین وضعیت حقوقی چشمه‌های تأمین‌کننده آب تالاب، تخریب سه مورد باغشهر در حریم تالاب، تهیه مقدمات تعیین حریم تالاب، حل اختلافات ارضی بین ادارات منابع طبیعی و اوقاف و ... گوشه‌ای از این اقدامات می‌باشد.

۱- متن یکی از مکاتبات توسط دادستان عمومی و انقلاب شهرستان کازرون مورخ ۹۳/۱۱/۲۸ به شماره ۹۰۱۹/۷۰۹/۶۱۰۰۰ به شرح زیر است:

«ریاست محترم اداره منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان کازرون؛

در خصوص شکایت اداره حفاظت محیط زیست کازرون و متعاقب بازدید مورخه ۹۳/۱۱/۲۴ اینجانب و مشاهده اقدام هم‌زمان افرادی به حفر گودال و کاشت قلمه و تعداد محدودی نهال در اراضی پر شیب و سنگلاخی و صخره‌ای کوه مشرف به تالاب پریشان و اقدام به احداث شبکه لوله‌کشی جهت آبیاری آن از محل یک دستگاه تلمبه آب متعلق به آقای ...؛ اینک با توجه به حساسیت منطقه از نظر قرار گرفتن سه چشمه تأمین‌کننده آب تالاب پریشان و نیزارهای مرتفع در این منطقه و اینکه تنها بخشی از تالاب که در حال حاضر در سطح دو هکتار دارای آب می‌باشد و از این آبگیر جهت حفظ گونه‌های آبزی ذخیره (ژنتیک) استفاده می‌گردد و دخالت‌های قبلی انسانی در این منطقه باریک و کم عرض و آسیب‌های وارده به تالاب از قبیل گسترش کشاورزی در اراضی منابع طبیعی و تأثیرات سوء آن بر منابع آب دریاچه و نیز آلودگی آب و خاک تالاب به سموم و مواد شیمیایی به‌کارگیری شده در زراعت و باغداری و توجهاً به مسؤولیت قانونی این

۳) قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱/۷/۵. در ماده‌ی یک این قانون، گونه‌های درختی ذکر شده است که جزء ذخایر جنگلی

دادستانی در حفظ انفال الهی و حقوق عامه و نظر به بندهای پنجگانه نامه به شماره ب/۲/۸/۲/۱۴۰۹۰/۹۰ به تاریخ ۱۳۹۳/۱/۳۰ معاون محترم قضایی دادستان کل کشور و جانشین دبیر شورای عالی حفظ حقوق بیت‌المال در اراضی ملی و منابع طبیعی، همچنین مصوبات جلسه ۱۳۹۲/۱۲/۱۸ شورای حفاظت و پیشگیری از تخریب اراضی ملی و منابع طبیعی شهرستان کازرون در خصوص صیانت از دریاچه پریشان و نیز با توجه به برنامه مدیریت جامع تالاب پریشان مصوب ۱۳۸۸ هیأت وزیران، لازم است در اجرای مقررات تبصره ۴ ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع مصوب ۲۲ شهریور هزار و سیصد و شصت و هفت که مقرر می‌دارد: "دولت موظف است توسط دستگاه‌های ذی‌ربط نسبت به خلع ید از اراضی متصرفی بعد از اعلام مورخه ۱۳۶۵/۱۲/۱۶ دولت جمهوری اسلامی اقدام لازم به عمل آورد،" همچنین مقررات ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی قانون مزبور مصوب ۱۳۷۱/۷/۱۶ وزارت جهاد سازندگی که اشعار می‌دارد: "سازمان‌های جهاد سازندگی و ادارات کل منابع طبیعی موظف‌اند به محض اطلاع از تصرف غیرمجاز و تجاوز به منابع طبیعی کشور، به‌وسیله مأمورین انتظامی محل، رفع تجاوز نمایند" و نیز ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی ماده ۲ قانون حفاظت و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱/۷/۵ که اشعار می‌دارد: "پس از صدور رأی هیأت ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع، چنانچه در محدوده منابع ملی شده، تصرفات غیرمجاز و محدود وجود داشته باشد با اعلام واحد ذی‌ربط در سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور، قوای انتظامی به استناد تبصره ۴ قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی ... مکلف به خلع ید از تصرفات مذکور خواهند بود" و توجهاً به بخشنامه شماره ۲/۶۲۰ تاریخ ۱۳۹۳/۵/۶ دادگستری کل استان فارس متضمن تکلیف ادارات منابع طبیعی به اجرای مقررات مزبور بدون نیاز به طرح شکایت کیفری در دادسراها و دادگاه‌های بخش، لازم است پیرو دستورات قبلی، به قید فوریت ضمن تعیین محدوده‌های ملی مورد تجاوز فوق‌الذکر، به پاسگاه انتظامی پل آبگینه مراجعه و با همراهی مأموران مذکور و نیز مساعدت و پشتیبانی مأموران اداره حفاظت محیط زیست کازرون (با توجه به قرار داشتن در منطقه حفاظت شده ارژن و پریشان) نسبت به خلع ید و رفع آثار تجاوز از اراضی متصرفی اقدام لازم صورت پذیرد. لازم به ذکر است اقدامات شامل: ۱) جمع‌آوری خار و خاشاک و شاخه‌های برش شده درختان به عنوان پرچین و حصارکشی اراضی ملی (کوه) ۲) انتقال قلمه‌های تازه کاشت انگور از گودال‌های حفر شده به قلمستان ایجاد شده توسط متهمان در همان محل ۳) انتقال نهال‌های کاشت شده در گودال‌های حفر شده به نهالستان ایجاد شده توسط متهمان در همان محل ۴) با توجه به صدور دستورات لازم به اداره امور منابع آب مبنی بر برخورد قانونی با انتقال آب خارج از کروکی چاه آب در صورت مجوزدار بودن و نیز برخورد قانونی در صورت غیر مجاز بودن چاه آب موجود، اقدامات لازم قانونی نیز از طریق اداره مزبور صورت می‌پذیرد. مأموران هر دو اداره با جدیت نحوه عملکرد اداره امور منابع آب را پیگیری نمایند.

دادستان عمومی و انقلاب و دبیر شورای حفاظت و پیشگیری از تخریب اراضی ملی و منابع طبیعی کازرون.

محسوب می‌شوند و قطع آنها ممنوع می‌باشد. بر اساس ماده‌ی مزبور، از تاریخ تصویب این قانون، گونه‌های درختانی از قبیل شمشاد، سرخدار، سرو خمره‌ای، سفید پلت، حرا و چنل، فندق، زیتون طبیعی، بنه (پسته‌ی وحشی)، گون، ششم، گردو (جنگلی) و بادام وحشی (بادامک)، در سراسر کشور جزء ذخایر جنگلی محسوب و قطع آنها ممنوع می‌باشد. به موجب تبصره‌ی یک این ماده، وزارت جهاد سازندگی (جهاد کشاورزی) موظف است مناطق استقرار گونه‌های یاد شده را مشخص و حفاظت نموده و متخلفین را به مراجع قضایی معرفی نماید. در تبصره‌ی ۲ این ماده آمده است: «در مواردی که قطع این گونه‌ها بر اساس طرح مصوب و بنابر ضرورت و مسائل فنی و توسعه‌ی گونه‌های دیگر لازم باشد، با تأیید وزارت جهاد سازندگی مجاز خواهد بود». همچنین به موجب تبصره‌ی ۳: «متخلفین از این قانون برای بار اول علاوه بر پرداخت خساراتی که حسب مورد توسط کارشناسان مربوطه‌ی وزارت جهاد سازندگی ارزیابی خواهد گردید به حبس از یک تا شش ماه و پرداخت جزای نقدی برای هر اصله درخت معادل یک و نیم برابر قیمت روز آن و در صورت تکرار، به اشد مجازات محکوم می‌شوند».

با توجه به استعمال عبارت «از قبیل» در این قانون، می‌توان گفت که گونه‌های مذکور جنبه‌ی تمثیلی دارند؛ از این رو قطع گونه‌های دیگری غیر از موارد فوق مشمول حکم ممنوعیت و مجازات تعیین شده خواهد بود.^۱

ذکر عباراتی مانند: از قبیل، نظیر و مانند، در متن قوانین کیفری، بر خلاف اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و اصل مشخص و صریح بودن مقررات کیفری است؛ چراکه دایره‌ی عناوین مجرمانه در مواد قانونی را توسعه می‌دهد.

به موجب تبصره‌ی ۵ این ماده، در صورت همکاری کارگزاران و مأموران سازمان جنگل‌ها و مراتع، متخلفان متناسب با جرم، به اشد مجازات مقرر در قوانین مربوطه محکوم می‌شوند.

به موجب ماده‌ی ۲ قانون حمایت از جنگل‌ها و منابع طبیعی کشور، «تشخیص منابع

۱- اکبری، احمدعلی؛ آسیب شناسی حمایت کیفری گیاهی و جانوری در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق محیط زیست دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۹، ص ۳۵.

ملّی و مستثنیات ماده‌ی ۲ قانون ملّی شدن جنگل‌ها و مراتع، با وزارت جهاد سازندگی است که ۶ ماه پس از اخطار کتبی یا آگهی به وسیله‌ی روزنامه‌های کثیرالانتشار مرکز و یکی از روزنامه‌های محلی و سایر وسایل معمول و مناسب محلی، ادارات ثبت موظف‌اند پس از انقضای مهلت مقرر، در صورت نبودن معترض، حسب اعلام وزارت جهاد سازندگی نسبت به صدور سند مالکیت به نام دولت جمهوری اسلامی ایران اقدام نمایند».

یکی از سازمان‌هایی که در مورد حمایت از جنگل‌ها و مراتع وجود دارد «سازمان جنگل‌ها و مراتع و آبخیزداری» می‌باشد. این سازمان با هدف حفظ، حمایت، احیا، توسعه و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع و اراضی جنگلی و بیشه‌های طبیعی و اراضی مستحده‌ی ساحلی و حفظ و حمایت و اصلاح خاک‌های کشور تأسیس گردید. از جمله وظایف این سازمان، تأمین و تشویق به ایجاد مجتمع‌های صنعتی و تعاونی جهت بهره‌برداری اصولی از جنگل‌ها و مراتع و تهیه و اجرای طرح‌های بزرگ جنگل‌کاری و احیای جنگل‌ها و اجرای قوانین و مقررات مربوط به جنگل‌ها و مراتع است. جنگل‌ها و مراتع به عنوان منابع زیست‌محیطی قابل تجدید، نقش بسیار مؤثری در تغییرات زیست‌محیطی ایفا می‌کنند. مطابق قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوّب ۱۳۴۶، مسؤلیت مدیریت جنگل‌ها و مراتع، به این سازمان واگذار گردید.

در سال ۱۳۵۴ در پی الحاق تبصره‌ی ۴ به ماده‌ی ۳۱ این قانون، قسمتی از اراضی جنگلی، جلگه‌ای، مراتع و بیشه‌های طبیعی که به عنوان پارک ملّی و مناطق حفاظت شده اعلام گردید در اختیار سازمان حفاظت محیط زیست قرار می‌گیرد و قابل واگذاری نیست. بر اساس ماده‌ی ۶ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوّب ۱۳۵۳، سازمان حفاظت محیط زیست مکلف به انجام تحقیقات و بررسی‌های عملی و اقتصادی در زمینه‌ی حفاظت و بهبود و بهسازی محیط زیست از جمله تخریب جنگل‌ها و مراتع است. به موجب قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوّب ۱۳۷۱، سازمان مذکور عملاً عهده‌دار حفاظت از گونه‌های گیاهان در معرض خطر یا در معرض تهدید گونه‌های تهدید شده و وزارت جهاد کشاورزی موظف است که مناطق استقرار گونه‌های یاد شده را مشخص و حفاظت نماید.

یکی دیگر از نوآوری‌های این قانون، رفع ابهام در خصوص تکلیف اراضی تصرفی ملّی شده‌ی قبل از تاریخ ۱۳۶۵/۱۲/۲۶ بود. چنانکه قبلاً هم گفته شد تکلیف تصرفات بعد از

این تاریخ، در تبصره‌ی ۴ قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی ... به صورت خلع ید اراضی توسط ادارات دولتی ذی‌ربط بدون نیاز به طرح شکایت و دعوای حقوقی مشخص شد؛ اما عدم تصریح قانون‌گذار به تعیین تکلیف تصرفات قبل از این تاریخ، این ابهام را ایجاد کرد که اراضی تصرفی قبل از آن تاریخ، با توجه به مقررات شرعی احیای اراضی به عنوان یکی از اسباب تملک، متعلق به متصرفین این قبیل اراضی می‌باشد که این موضوع البته با مقررات قانونی از جمله قانون ملی شدن جنگل‌ها مصوب ۱۳۴۱ و ... مغایرت داشت؛ لذا قانون‌گذار در قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور، تکلیف دستگاه‌های ذی‌ربط را به صورت لزوم طرح شکایت در مراجع قضایی مشخص نمود. البته استثنایی که در این زمینه قابل ذکر است مورد مذکور در تبصره‌ی (۶) الحاقی به ماده واحده‌ی قانون ابطال اسناد فروش رقیات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۱۹ می‌باشد که به موجب آن، اراضی ملی شده که در حریم موقوفات و یا قبل از تاریخ ۱۳۶۵/۱۲/۱۶ احیا شده باشد موقوفه تلقی و مشمول اراضی منابع ملی نمی‌باشد.

البته این انتقاد به مقررات قانون مذکور وارد است که چه تفاوتی بین اراضی غیرموقوفه‌ی تصرفی (احیا شده) قبل از این تاریخ، با اراضی موقوفه‌ی تصرفی بعد از این تاریخ در عرصه‌های ملی وجود دارد؟ به عبارت دیگر، اراضی که مشمول عنوان ملی قرار می‌گیرند از جمله جنگل‌ها و مراتع، طبق قاعده‌ی فقهی «لا وقف الا فی ملک» از عنوان وقفیت خروج موضوعی دارد؛ به خصوص با توجه به اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که جنگل‌ها و مراتع را جزء انفال و غیرقابل تملک اعلام نموده است.

نتیجه

در پایان، به عنوان نتیجه‌گیری این بحث می‌توان گفت که اگرچه بعد از کنفرانس ۱۹۷۲ استکهلم، توجه جدی کشورها به مسأله‌ی محیط زیست بسیار قابل توجه بود و در این زمینه کشورها با قانون‌گذاری در حوزه‌های مختلف اعم از اداری، جزایی و آیین‌نامه‌ای، لزوم این توجه را به منصفی ظهور رساندند، اما این تازه ابتدای راه بود؛ چراکه در سال‌های بعد مشخص شد که بسیاری از این قوانین هنوز در حمایت و حفاظت از محیط زیست بسیار ناکارآمد هستند. قانون حفاظت از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ نیز در این راستا اگرچه پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در جهت حفظ منابع طبیعی می‌باشد اما باید اذعان کرد که نیاز به اصلاحات عمده‌ای از قبیل روزآمد نمودن دارد.

در خصوص ضمانت اجرای کیفری این قانون باید گفت که مجازات جزای نقدی، بسیار ناکارآمد می‌باشد و نیاز است که مبلغ آن به میزان گسترده‌ای افزایش یابد تا بتواند اثرگذاری مطلوب‌تری به همراه داشته باشد. دسته‌ی دوم ضمانت اجرای کیفری این قانون، مربوط به مجازات حبس می‌باشد و همان‌گونه که در قسمت (ب) از فصل دوم این تحقیق اشاره شد بسیاری از قضات در دادگاه‌ها به دلیل عدم آگاهی زیست‌محیطی غالباً در خصوص مجرمین زیست‌محیطی از این مجازات استفاده ننموده یا کمترین میزان حبس را برای مجرمین این‌گونه جرایم در نظر می‌گیرند و این مسأله باعث شکل‌گیری یک ضمانت اجرای ضعیف در رویه‌ی قضایی پرونده‌های زیست‌محیطی شده است؛ به علاوه، بخش‌های دیگر دستگاه قضایی، به ویژه نهاد مدعی‌العمومی و شورای حفاظت و پیشگیری از تخریب اراضی ملی و منابع طبیعی می‌تواند ابزارهای قدرتمندی در راستای صیانت و حمایت از محیط زیست کشور محسوب شود که در این مقاله برای نمونه به تأثیرات این نهادها و اقداماتشان در حوزه‌ی آب و خاک تالاب بین‌المللی پریشان به خوبی اشاره شده است که با توجه به وجود وضعیت‌های مشابه، می‌تواند به عنوان رویه‌ای مناسب جهت صیانت از تالاب‌ها و زیستگاه‌ها مورد استفاده قرار گیرد. از طرفی، محیط-بانان سازمان حفاظت محیط زیست و جنگلبانان سازمان جنگل‌ها و مراتع که برابر قوانین داخلی، ضابط دادگستری محسوب می‌گردند بایستی از این ظرفیت در راستای افزایش ارتباط و تعامل با دستگاه قضایی استفاده نمایند؛ زیرا تجربه ثابت نموده که بخش عمده‌ای از تخریب محیط زیست و منابع طبیعی، ناشی از اجرای طرح‌های عمرانی و توسعه‌ای

غیرپایدار و فشارهای مقامات اجرایی، تقنینی و سیاسی بوده است که جهت کاستن این فشارها و توقف تخریبها، استفاده از ابزارها و حمایت‌های قضایی راهگشاست. در مجموع با توجه به مسائلی که بدان‌ها اشاره رفت باید گفت که این قانون، هم در زمینه‌ی اصلاحات و هم در زمینه‌ی اجرای آن در دادگاه‌ها نیاز به توجه جدی دارد. در بخش ضمانت اجرای حقوقی، هرچند متعاقب تصویب قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، قانون‌گذار با اصلاحات بعدی در این قانون و نیز تصویب قوانین دیگری، حمایت‌هایی از قبیل قرار دادن جنگل‌ها و مراتع در انفال الهی و خلع ید اراضی تصرفی آن بدون نیاز به طرح شکایت و دعوی حقوقی در محاکم دادگستری معمول نمود اما محدود کردن این حمایت‌ها به تصرفات بعد از تاریخ ۱۳۶۵/۱۲/۱۶، با توجه به سابقه‌ی تاریخی تجاوز به جنگل‌ها و مراتع و دیگر عرصه‌های طبیعی و همچنین عدم حمایت کافی از پوشش جنگلی واقع در اراضی شخصی، از قدرت حمایتی آن می‌کاهد.

در بحث مسؤولیت مدنی ناشی از تخریب‌های زیست‌محیطی، با توجه به ماهیت و ویژگی‌های این گونه آسیب‌ها، رویکرد سنتی قانون‌گذار در حوزه‌ی مسؤولیت مدنی که مبتنی بر احراز عنصر تقصیر می‌باشد نمی‌تواند پاسخگوی بسیاری از آسیب‌های زیست‌محیطی باشد؛ لذا قانون‌گذار بایستی با نوآوری و الهام از نظریات جدید مربوط به مسؤولیت مدنی از جمله نظریه‌ی مبتنی بر عدم تقصیر، راه را در جهت تسهیل اثبات و جبران خسارات زیست‌محیطی هموار نماید که خود در پیشگیری‌های بعدی از افعال زیان‌بار به محیط زیست کاملاً مؤثر است.

فهرست منابع

الف) کتاب‌ها و مقالات

- ۱- اکبری، احمدعلی؛ آسیب‌شناسی حمایت کیفری گیاهی و جانوری در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق محیط زیست دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۹.
- ۲- خزایی، منوچهر؛ جزوه حقوق جزای عمومی (۳)، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۷.
- ۳- رجبی، عبدالله؛ بررسی معیارهای ویژه در طراحی نظام مسؤولیت مدنی خسارات زیست‌محیطی، حقوق محیط زیست (نظریه‌ها، رویه‌ها)، دفتر حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت از محیط زیست، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۸.
- ۴- ساعد، محمدجعفر؛ حمایت جنایی از محیط زیست: کاربردی راهبرد پیشروی یا پسروی حقوق کیفری، حقوق محیط زیست (نظریه‌ها، رویه‌ها)، دفتر حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت از محیط زیست، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۸.
- ۵- شمس، احمد؛ نظام حقوقی اراضی ملی شده، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۸۵.
- ۶- عبداللهی، محسن و دیگران؛ حقوق کیفری محیط زیست: ملاحظات و راهکارها، تهران، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- ۷- قاسمی، ناصر، حقوق کیفری محیط زیست: مطالعه تطبیقی در حقوق ملی و بین‌المللی، انتشارات خرسندی، چاپ اول (ویرایش سوم)، تهران، ۱۳۹۱.
- ۸- قوام، میرعظیم؛ حمایت کیفری از محیط زیست، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۳.
- ۹- کاتوزیان، ناصر؛ انصاری، مهدی؛ مسؤولیت ناشی از خسارت‌های زیست‌محیطی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۲، تهران، تابستان ۱۳۷۸.
- ۱۰- کوروکولاسوریا، لال؛ رایینسون، نیکلاس؛ مبانی حقوق بین‌الملل محیط زیست، ترجمه محمد مهدی حسینی، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، سال ۱۳۹۰.

- ۱۱- موسوی، سیدفضل‌الله؛ سیر تحولات منابع حقوق بین‌الملل محیط زیست، چاپ اول، تهران، نشر میزان، زمستان ۱۳۸۵.
- 12- Hayward, Tim, *Constitutional Environmental Right*, Oxford, New York, 2005.

ب) قوانین و مقررات

- ۱۳- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ مصوب ۱۲ آذر ماه ۱۳۵۸.
- ۱۴- مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات حقوقی؛ انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، به اهتمام معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه، چاپ دوم، تهران، تابستان ۱۳۸۸.
- ۱۵- مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات کیفری؛ انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، به اهتمام معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه، چاپ دوم، تهران، تابستان ۱۳۸۸.
- ۱۶- مجموعه کامل آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور، امور حقوقی؛ سیداحمد باختر، انتشارات جنگل (جاودانه)، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۹۳.
- ۱۷- قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع با اصلاحات بعدی؛ مصوب ۱۳۴۶/۵/۳۰.
- ۱۸- قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی اجرای ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع؛ مصوب ۱۳۶۷/۶/۲۲.
- ۱۹- قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور؛ مصوب ۱۳۷۱/۷/۵.

ج) سایر منابع

- ۲۰- بخشنامه شماره ۲/۶۲۰ مورخ ۱۳۹۳/۵/۶ رئیس کل دادگستری استان فارس.
- ۲۱- پرونده کلاسه ۹۳۱۱۵۳ شعبه اول دادگاه بخش قائمیه.
- ۲۲- دادنامه شماره ۱۶۴۵/۰۹۹۷۷۸۲۳۴۰/۹۳۰ تاریخ ۱۳۹۳/۶/۲۲ صادره از شعبه اول دادگاه بخش قائمیه.

۲۳- دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۷۷۵۲۶۳۰۰۷۵۷ صادره از شعبه اول دادگاه بخش جره و بالاده.

۲۴- دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۷۱۱۹۹۰۰۱۱۲ به تاریخ ۹۲/۲/۷ صادره از شعبه ۹ دادگاه تجدیدنظر استان فارس.

۲۵- رأی وحدت رویه شماره ۶۸۱ مورخ ۸۴/۷/۲۶، ردیف ۱۳/۸۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور.



The Role of Legal and Criminal Sanction in Protect of Environment with Emphasis on Forests and Pastures Act of 1346

Nasrollah Izadikhah^{*}

Hamidreza Gorjifard^{**}

Received: 5/7/2015 Accepted: 7/9/2015

Abstract:

Law has been one of the most effective and the most important tools in the governments hands to keep the basic values of the society, therefore, environmental values, after being mentioned as the basic values of the human society in the 1972 conference in Stockholm, all of the nations were bounded to set a set of accurate environmental rules for protecting and supporting the environment. Our nation 'Iran' also was not an exception to this rule and several environmental rules in various level such as civil, criminal, administrative and regulatory laws were also legislated in Iran. One of the most important rules in this regard is the law on protection of forests and pastures act of 1346 which has been approved in support of forests and pastures. This rule is also has resorted to more criminal and some legal sanctions to guarantee natural resources which seem not to be able to respond to environmental requirements in some cases.

Key words: Forests and pastures, sanction, environmental Law, destruction.

^{*}M.A. in Criminal Law & Criminology of Bushehr Islamic Azad University & Chief Justice of Nourabad Mamasani.

^{**}M.A. in International Environmental Law of Shahid Beheshti University.